

## بررسی ساختارهای تشبیه در غزلیات شمس

(ص ۲۸۳ - ۲۶۳)

مسعود روحانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۱/۷

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۱۲/۷

### چکیده

«تشبیه» هسته مرکزی اغلب خیالهای شاعرانه است که در خیال‌انگیزی اصلیتین نقش را بازی میکند. بررسی و تحلیل تشبیه، علاوه بر اینکه میتواند گرایشهای گوناگون اندیشه شاعر را در حوزه‌های مختلف باز نماید، از جنبه سبک‌شناسی نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است و میتواند مبین و نمودار سبک و زبان خاص یک شاعر باشد. یکی از شاعرانی که بطور برجسته از تشبیه بهره گرفته، مولوی است؛ تشبیه در غزلیات وی حضوری پررنگ دارد و مولوی از این ابزار در جهت بیان مضامین عاشقانه یا آموزه‌های عرفانی بهره گرفته است. این جستار بر آنست تا از طریق استفاده از جامعه آماری، ساختارهای تشبیهی موجود در غزلیات شمس را مشخص و انواع تشبیهات و عناصر تشکیل‌دهنده آنها را باز نماید. از این رو پرسش اساسی این پژوهش این است که انواع تشبیه در غزلیات مولانا کدامند و از چه نوع عناصری تشکیل شده‌اند؟ قطعاً آمارهایی که در این مقاله از تشبیهات موجود در غزلیات شمس ارائه شده، نشان خواهد داد که مولوی از چه ساختارها و عناصری برای بیان حقایق عارفانه و مضامین عاشقانه استفاده کرده است.

### کلمات کلیدی

تشبیه، عناصر تشبیه، انواع تشبیه، غزلیات شمس، مولوی

## مقدمه

مولانا جلال‌الدین بلخی از جمله شاعرانی است که تشبیهات شعر او از نظر تنوع و تازگی قابل بررسی است. بخصوص غزلیات وی معروف به غزلیات شمس سرشار از انواع تشبیهات کهنه و نو است. از این رو این مقاله بر آن است تا در خصوص تشبیه و گونه‌های آن و همچنین عناصر تشکیل دهنده آن در غزلیات شمس تحقیق و بررسی نماید. برای نیل به این مقصود، دفتر اول و دوم غزلیات شمس بررسی گردید و همه تشبیهات موجود در آنها استخراج و با نگاهی آماری، به زوایای مختلف تشبیه در این غزله‌ها، پرداخته شد. این مقاله بدان جهت است که بررسی‌های آماری-که یکی از ویژگی‌های علم است- نتیجه حاصله را متقنتر ساخته، کاری که در این زمینه در ادبیات کمتر صورت گرفته است. درباره پیشینه تحقیق نیز باید گفت کاری بصورت آماری و همه‌جانبه که به زوایای مختلف تشبیه در غزلیات مولوی پرداخته باشد، دیده نشده است. البته در باب تشبیه در مثنوی مقاله‌ای به شیوه آماری نوشته شده است.<sup>۱</sup>

## ۱- انواع تشبیه در غزلیات مولوی

### ۱-۱- انواع تشبیه به اعتبار موضوع مشبه

بررسی تشبیه در غزلیات مولانا بیانگر آن است که تشبیهات شعر او از نظر موضوع، بسیار گسترده و متنوعند. وی از عناصر مختلفی برای خلق تصاویر شاعرانه بهره برده که برخی از آنها عبارتند از: انسان و عناصر انسانی، طبیعت، جانداران، اشیاء، عناصر دینی و مذهبی و... که در ذیل به طبقه‌بندی و بررسی جداگانه هر یک پرداخته‌ایم. آنچه مسلم است بررسی این عناصر در شعر هر شاعر، ما را به درک بهتر جهان‌بینی و شخصیت وی، نائل میسازد و از این طریق میتوان به دنیای درونی شاعر رسوخ نمود.

### آمار تشبیه در غزلیات شمس به اعتبار موضوع مشبه

موضوع	انسان (عناصر انسانی)	عناصر انتزاعی	عناصر طبیعی	اشیا	عناصر مربوط به گفتار و نوشتار	عناصر دینی	مجموع
پسامد	۸۸۵	۲۱۹	۱۵۰	۴۱	۲۹	۱۵	۱۳۳۹
درصد	۶۶.۹	۱۶.۳۵	۱۱.۱۲	۳.۲۱	۲.۱۶	۱.۱۲	۱۰۰

۱- نگاه کنید به مقاله «بررسی ساختارهای مختلف تشبیه در مثنوی معنوی» از میترا گلچین، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۱۳۹۰، شماره ۴ (پی در پی ۱۱) صص ۲۳۹-۲۵۲.

### ۱-۱-۱- انسان یا عناصر انسانی

چنانکه از این آمارها برمیآید، بیشتر موضوعات مشبّه را «انسان و عناصر انسانی» تشکیل می‌دهد و این خود بیانگر توجّه ویژه مولانا به انسان و اهمیّت آن در نگاه عارفانه اوست؛ مولوی میدانند که تصور جهانی بدون انسان، تصور هویتی بی‌معناست و جهان، موجودیّت معنادار خود را صرفاً از حضور انسان کسب میکند. مولانا فقط انسان را که اشرف مخلوقات است، برازنده عشق میدانند و آن را جهانی میدانند که همه جهان در آن جای دارد. از اینرو میبینیم که انسان برجسته‌ترین عنصر تشبیه در غزلیات شمس است و مولانا در جای‌جای اشعارش، جامعه انسانی را مخاطب ساخته و از زبان آنان به شور و شیدایی و غزلسرایی پرداخته است.

منظور از مشبّه انسانی در ساختار غزل مولوی، کلّ جامعه انسانی است که با چهره‌های گوناگون و عناوین مختلفی حضور دارند و برخی از آنها عبارتند از: برادر، اهل گل، پسر، حریفان، بدکاران، خلق، حریصان، ساقی، سپه، شتاد، صابران، صوفی، عارف، محبّ رسول، مردان خدا، یاران، بنده، تن‌پرستان، سجده‌کنندگان، طالبان، عاقلان، غریب، فتی، قوم، منکر، میر، خواجه، خریدار، رندان، کافران، گمراهان، خویشان، لولی، شیخ و قوم مبارز و... میبینیم که مولانا از تیپهای مختلف مثبت و منفی، دیندار و بیدین، فقیر و ثروتمند و... در ساختار انسانی تشبیهات خود استفاده کرده است. تعداد این عناصر که ما از آنها بعنوان تیپهای انسانی یاد میکنیم، ۲۰۴ مورد است.

اما بررسیهای آماری نشان میدهد که عناصر انسانی علاوه بر موارد فوق شامل دسته‌های دیگری هم هست که برخی از آنها در این بخش، نقش برجسته‌تری نیز دارند. بعبارت دیگر، بررسی دسته‌های کوچکتر و زیرمجموعه این بخش بیانگر نکات جالبی خواهد بود که در زیر بدان اشاره میشود.

موضوع	تیپهای انسانی	اعضای بدن انسان	شاعر	اعضای بدن شاعر	معشوق	اعضای بدن معشوق	عاشق	شمس تبریزی	اعضای بدن شمس
بسامد	۲۰۴	۱۸۱	۱۳۲	۶۸	۹۷	۶۶	۷۶	۴۸	۱۳

دقت در این آمارها نشان میدهد که اعضای بدن انسان (شاعر، معشوق و شمس و...) نقش بسیار موثری در ساختار تشبیه در غزلیات مولوی ایفا کرده‌اند و شاعر از این عناصر که جزء لوازم غزلسرایی و عاشقانه‌پرداز است، بهترین بهره را برده است بگونه‌ای که در مجموع

۳۲۸ بار از اعضای بدن انسان بعنوان مشبّه استفاده کرده و این بسامد، معادل ۲۴.۴۹ درصد از کل موضوعات مشبّه میباشد.

نمونه‌هایی از این اشعار:

قدها چون تیر بوده گشته در هجران کمان اشک خوناود گشت و جمله دلها دالها  
(غزلیات شمس، ج ۱ بیت ۱۶۴۳)

سرت بر آستان نه همچو مسمار که گردون اینچنین سر را نساید  
(ج ۲ بیت ۷۱۰۱)

دل مثال ایر آمد سینه ها چون بامها وین زبان چون ناودان باران ازینجا نازلست  
(ج ۱ بیت ۴۲۴۹)

بشکن سبو و کوزه ای میر آب جانها تا وا شود چو کاسه در پیش تو دهانها  
(ج ۱ بیت ۲۱۲۰)

این اعضا و جوارح انسانی که در غزلیات شمس از آنها یاد شده و بسامد استفاده هر یک بدینگونه است:

ابرو ۱۷ / تن ۲۹ / جگر ۲ / چشم ۱۳ / چهره ۵ / دست ۴ / دل ۱۰۸ / دهان ۵ / دیده ۳ / ذقن ۱ / رخ ۱۵ / رخسار ۱۳ / رو (روی) ۳۴ / زنج ۱ / سر ۱۱ / سینه ۴ / قالب ۳ / قد ۳ / لب ۸ / نظر ۳ / اشکم ۱ / جسم ۲ / زبان ۵ / موی ۴ / پشت ۱ / غمزه ۴ / قد ۳ / مژگان ۲ / کالبد ۱ / جمال ۴ / خد ۲ / زخندان ۲ / قامت ۲ / بر ۱ / صورت ۱ / طره ۴ / کف ۲ / گوش ۱.

که از این بین «دل» بیشترین کاربرد را دارد و اینرا میتوان به توجه شاعر به مسائل عرفانی نسبت داد که بر دل عارف عاشق ورود میکند. «این لطیفه نهانی که مرکز تقلب و اضطراب عواطف، احساسات و مصدر غلیان و جوشش معنا در وجود آدمیست، مخزن الاسرار حقیقت انسان است.» (جایگاه دل در عرفان اسلامی با تکیه بر دیدگاه مولانا، حسین زاده و عارفی ص ۵۸).

نکته قابل توجه دیگر در بررسی این آمار، بسامد حضور دو رکن اصلی اندیشه عاشقانه، یعنی «عاشق و معشوق» است؛ مولوی در غزلیات خود ۸۷ بار از معشوق و ۷۶ بار از عاشق سخن گفته که این خود بیانگر اندیشه عاشقانه و نگاه سرشار از عشق مولاناست که در جای جای شعر او دیده میشود. عشق و شیدایی آئین مولاناست و او به هیچ آئینی تا بدین غایت پای بند نیست. بنا به گفته او عشق همه چیزش را تاراج کرده است و خود باقی مانده. به نظر مولانا علت پیدایش جهان نیز عشق است؛

دور گردونها ز موج عشق دان گر نبودی عشق بفسردی جهان (مثنوی، دفتر ۵، بیت ۳۸۵۲)

۱. درباره ویژگیهای «دل» از منظر مولوی نگاه کنید به مقاله «جایگاه دل در عرفان اسلامی با تکیه بر دیدگاه مولانا» نوشته عبدالرضا محمد حسین زاده و علی عارفی، (۱۳۸۸)، پژوهش نامه اخلاق، سال دوم ش ۶ صص ۵۷-۸۰.

بهای آدمی نیز به اندازه ارزش معشوق اوست. قدرت و توان عشق تا آن پایه است که میتواند امور غیر ممکن را ممکن سازد (رک سیمای انسان در اشعار مولانا، دامپار، ص ۴۴)

عشق نان مرده را می جان میکند جان که فانی بود جاویدان کند (مثنوی، دفتر ۵، بیت ۲۰۱۴)

این موضوع از بعد دیگری نیز قابل بررسی است و آن رابطه میان غزل و عشق است؛ بین غزل و عشق رابطه‌ای دوسویه وجود دارد؛ از یکسو، غزل اعتبار خود را مدیون عشق است و از سوی دیگر، بهترین قالب برای بیان عاشقانه‌ها، در تمام دوره‌های شعر فارسی، غزل بوده است. «مایه اصلی غزل، عشق و عاشقی است و مضامین دیگر از قبیل عرفان، حکمت و ... در درونمایه‌ای از تغزل بیان شده‌اند. بدین ترتیب غزل فارسی چه مستقیم و چه غیر مستقیم بر مدار معشوق دور میزند. عبارت دیگر هسته مرکزی غزل، معشوق است» (سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، ص ۲۶۱)

## ۲-۱-۱- عناصر انتزاعی

عناصر انتزاعی به مفهومی ذهنی اطلاق میشود؛ یعنی آنچه که به ذهن مرتبط است و از جهان ملموس به دور. شاعران در ادوار مختلف ادب فارسی، به کاربرد مفاهیم انتزاعی در شعر خود روی آوردند تا بر دایره مضامین شعرشان بیفزایند. در ساختار شعر مولوی نیز بسیاری از عناصر انتزاعی در هیات تشبیه نقش آفرینند؛ «اندیشه» مانند آب روان است؛ «جان» از عظمت و روشنی و طراوت برخوردار است؛ «حرص» مانند خاری به آدمی آسیب و گزند میرساند؛ «غم» کشنده و «عشق» جانبخش. عناصر انتزاعی پس از عناصر انسانی بیشترین کاربرد را در غزلیات شمس دارند. برخی از این عناصر انتزاعی عبارتند از: اجل، اندیشه، باطن، بلا، جان، جفا، حرص، حسن، خوی، خیال، روح، صبر، صفا، صفات خدا، طعنه، عشق، عدم، عدل، غم، فراق، قضا، گناه، لطف، مرگ، هجران، ذکر، عهد، نفس، هوس، خواب، طبع، اقبال، ضمیر، لذت، قهر و رنج و ... .

بررسی آمارهای مربوط به عناصر انتزاعی حاضر در تشبیهات غزلیات شمس نشان میدهد که مولوی ۷۸ بار از واژه «جان» بعنوان مشبه استفاده نموده که این امر بیانگر اهمیت این مفهوم در ذهن مولانا است. مفهوم انتزاعی دیگری که در شعر مولوی بسیار بکار گرفته شده «عشق» است که ۳۳ بار نقش مشبه تشبیهات مولوی را برعهده دارد. توجه به عناصر انتزاعی اشاره به معناگرا بودن غزل مولانا دارد. نمونه‌هایی از این ابیات:

جانهاچو سیلابی روان تا ساحل دریای جان از آشنایان منقطع با بحر گشته آشنا  
(ج ۱/ بیت ۸۹)

چه گرگین است و گر خارست این حرص کسی خود را بر این گرگین ممالا  
(ج ۱/ بیت ۱۱۸۶)

چه جای صبر که گر کوه قاف بود این صبر ز آفتاب جدایی چو برف گشت فنا  
(ج ۱/ بیت ۲۵۶۱)

### ۳-۱-۱- عناصر طبیعی

یکی از مسایل مهم مطرح در غزلیات مولوی، توجه و دید او نسبت به جهان است؛ وی طبیعت را یکپارچه زنده و جاندار می‌بیند، گویی تمام عناصر طبیعت با او در حال گفتگویند و هر یک دنیایی برای او می‌گشایند در ساختار تشبیه‌های مولوی نیز، چنانکه از آمارها برمیآید طبیعت‌گرایی و استفاده از عناصر طبیعی نقش عمده‌ای دارند؛ این عناصر که پدیده‌های طبیعی، جانوران و گیاهان را شامل می‌گردد در هیات مشبّه، در جهت تصویرسازی و در خدمت تجسم اندیشه‌ها و تخیلات شاعر قرار می‌گیرند. عناصر طبیعی حاضر در تشبیهات غزلیات شمس عبارتند از:

آب، بحر، آتش، آسمان، آفتاب، روز، جام سپهر، جهان، چرخ فلک، خاک، خورشید، درخت، زمین، سرو، سنگلاخ، عالم، گل، کوه، ماه، ابر، جهان، خس، سنگ، مغرب، مکوات، نور، ستاره، چشمه، رعد، سحر، غنچه، تبریز، گردون، لاله، باد، کوه طور، سوسن و موج. و جانورانی مانند: آهو، بلبل، پیل، خارپشت، خر، شیر، غراب، مگس، ماهی.

این عناصر و پدیده‌های طبیعی یکصد و پنجاه بار در جایگاه مشبّه در غزل مولوی ذکر شده‌اند و ۱۱.۱۲ درصد از موضوعات مشبّه را شامل می‌شوند؛ گاهی طبیعت هر دو سوی تشبیه را تشکیل می‌دهد و زمانی عناصر طبیعی به عناصر دیگری از جمله اشیاء، اشخاص، عناصر انتزاعی و دینی و ... تشبیه می‌شود.

نمونه‌هایی از اشعار:

کاسه خورشید و مه‌از عربده‌درهم شکست چونکه ساغرهای مستان نیک با توفیر بود  
(ج ۲/ بیت ۷۶۹۲)

به گرد چرخ استاره چو مشتاقان آواره که از سوز دل ایشان خرد از کار میماند  
(ج ۲/ بیت ۶۰۶۵)

عجایبند درختانش، بکر و آبستن چو مریمی که نه معشوقه و نه شو دارد  
(ج ۲/ بیت ۹۸۳۹)

### ۴-۱-۱- اشیاء

۳.۲۱ درصد از مشبه‌های بکار رفته در غزلیات شمس از نوع اشیاء هستند؛ و در تشبیهاتی که مشبه آنها اشیاء است، عناصر طبیعی، عناصر خیالی و عناصر انتزاعی و اشیاء طرف دیگر تشبیه را تشکیل می‌دهند. اشیاء بکار رفته در جایگاه مشبّه عبارتند از: آینه، تیر، شراب، جام، لباس، دامن، دستار، دلو، می، نان، جام، حجر، خرمهره، سرمه، قدح.

با نگاهی به این عناصر درمی‌یابیم که این اشیا نیز بیشتر از عناصر و ملزومات عاشقانه‌سرایی و باده‌نوشی است که با عنایت به قالب اشعار (غزل) متناسب مینماید و مولوی بخوبی از لوازم غزل بهره برده است.

نمونه‌هایی از اشعار:

دو چشم آهوانش شیرگیرست اول بگیر آن جام مه بر کفّه آن پیر نه	کزو بر من روان باران تیرست (ج ۱/ بیت ۳۸۸۳)
تا ببیند ناگهانی گلرخی	بر وی آن دستار و سر چون خار شد (ج ۲/ بیت ۸۶۶۳)

#### ۵-۱-۱- عناصر گفتار و نوشتار

از دیگر عناصر بکار رفته در تشبیهات مولوی عناصر مربوط به گفتار و نوشتار است؛ مثلاً از برخی حروف الفبا استفاده نموده که در اینگونه موارد، شکل این حروف مدّ نظر بوده است. این عناصر عبارتند از:

الف، پرسش، جواب، حدیث، حرف، خط، دال، سخن، شعر، عین، گفتار، گفتگو، نطق، نظم و...  
نمونه‌هایی از اشعار:

از عشق گردون موتلف، بی‌عشق اختر منخسف	از عشق گشته دال الف، بی‌عشق الف چون دالها (ج ۱/ بیت ۲۴)
جواب همچو شکر او دهد که محتاجست	جواب تلخ ترا صد هزار تمکینست (ج ۱/ بیت ۵۰۸۲)
این کاه سخن دگر مپیما	بندیش که کهربا چه دارد (ج ۲/ بیت ۷۳۰۰)

#### ۶-۱-۱- عناصر دینی و مذهبی

اندیشه دینی از جای اشعار مولوی قابل دریافت است؛ وی که اشراف جامعی بر آموزه‌های دینی و زیر و بم آن دارد، بخوبی توانسته آنها را در شعرش به نمایش بگذارد. برخی از این عناصر دینی و مذهبی که بعنوان مشبّه در ساختار تشبیهات غزلیات شمس آمده‌اند عبارتند از: ابلیس، پیغمبر، توبه، جنّ، جنّت، خضر، شیطان، روح‌الله، عرش، کفر، نوح و یوسف و... .

نمونه‌هایی از اشعار:

چه پرده بود که ابلیس پیش ازین پرده	بسجده بام سماوات و ارض میپیمود...
ز پرده حسدی ماند همچو خر بر یخ	که آنهمه پر و بالش بدین حدث آلود (ج ۲/ بیت ۹۶۱۱ و ۹۶۱۳)

دران بحری که خضرانند ماهی درو جاوید ماهی جاودان آب  
(ج ۱/ بیت ۳۲۱۲)

جنت مرا بی روی او، هم دوزخست و هم عدو من سوختم زین رنگ و بو کو فر انوار بقا  
(ج ۱/ بیت ۴۲)

## ۲-۱- انواع تشبیه به اعتبار موضوع مشبّه به

بررسی و تدقیق در تشبیهات غزلیات شمس به اعتبار مشبّه به نیز نکات قابل توجهی به همراه دارد که در ادامه به دسته‌بندیها و آمارهای آن پرداخته میشود. تشبیهات مولوی از این حیث به نه دسته تقسیم میشوند که عبارتند از: عناصر طبیعی، اشیا، عناصر دینی و مذهبی، اعضای بدن انسان، عناصر رزمی، عناصر خیالی، عناصر انتزاعی، حروف الفبا و شاعر.

### آمار تشبیه در غزلیات شمس به اعتبار موضوع مشبّه به

موضوع	عناصر طبیعی	اشیا	عناصر دینی	عناصر رزمی	عناصر خیالی	اعضای بدن انسان	عناصر انتزاعی	حروف الفبا	مجموع
بسامد	۷۲۰	۳۴۹	۱۵۹	۵۶	۱۸	۱۶	۱۶	۶	۱۳۳۹
درصد	۵۳.۷۷	۲۶.۶	۱۱.۸۷	۴.۱۸	۱.۳۴	۱.۱۲	۱.۱۲	۰.۳۷	۱۰۰

همانگونه که نمودار نشان میدهد در غزلیات شمس، عناصر طبیعی بیشترین کاربرد را در جایگاه مشبّه به دارند و پس از آن، اشیا و عناصر دینی به ترتیب با ۳۴۹ و ۱۵۹ مورد، نسبت به موضوعات دیگر دارای بسامد بیشتری هستند. برای جلوگیری از اطّاب در مقاله، تنها به برخی از عناصر هر دسته که حاوی مشبّه‌به‌های مذکور هستند، اشاره و از ذکر تک تک عناصر که در دسته‌بندی فوق می‌گنجند، خودداری مینماییم.

### ۱-۲-۱- عناصر طبیعی

تعدادی از این عناصر عبارتند از: آب، آتش، خورشید، آسمان، آفتاب، ابر، ستارگان، انگور، باد، باران، باغ، بحر، برف، برق، بهار، بیشه، بیابان، تنور، جو، چاه، چرخ، چنار، خزان، خار، خاکستر، خرمن، درخت و دریا و...

ما همچو آب در گل و ریحان روان شدیم تا خاکهای تشنه ز ما بر دهد گیا (ج ۱/ بیت ۲۲۱۴)  
چو خورشید آدمی زربفت پوشد چو آن روی زر افشان درآمد (ج ۲/ بیت ۶۹۸۰)



### ۲-۲-۱-اشیا

برخی از این اشیاء عبارتند از: آینه، آهن، باده، بوریاء، بیدق، پرگار، تاج، پیاله، تار، جام، چتر، چراغ، چوگان، چنگ، حریر، حلقه، خم، خرقه، خمیر، دام، دُر، دستار، دف، دلو و دهل و....  
داودوار مارا آهن چو موم گردد      کاهنرباست دلبر دل آهنست امشب  
(ج ۱/بیت ۳۳۴۴)

سجده کنی به پیش او، عزّت مسجّدت دهد      ای که توخوار گشته‌ای زیر قدم چو بوریاء  
(ج ۱/بیت ۵۵۸)

### ۳-۲-۱-عناصر دینی

این عناصر دینی عبارتند از: بیت معمور، جنت، فردوس، دجال، دوزخ، دعا، دم عیسی، دین، روح‌الله، سدره خضراء، عصای موسی، عرش، کوثر، کعبه، مکه، نفخه صور و... و اسامی برخی از شخصیت‌های دینی مانند پیامبران و امامان و ملائکه مانند: آدم، ابراهیم، احمد، اسماعیل، حسین، حیدر، خضر، ابلیس و جبرئیل و ....  
دل است همچو حسین و فراق همچو یزید      شهید گشته دوصد ره به دشت کرب و بلا  
(ج ۱/بیت ۲۵۹۵)

ز آدم اگر بگردی او بی‌خدای نیست      ابلیس‌وار سنگ خوری از کف خدا  
(ج ۱/بیت ۲۲۵۳)

### ۴-۲-۱-عناصر رزمی

تعدادی از این عناصر عبارتند از: تیر، تیغ، خنجر، ذوالفقار، سپر، سلحدار، سنان، سیف، شمشیر، صمصام، غلاف، کمان و کمند و....  
پشت ما از ظنّ بد شد چون کمان      زان که راهی بی‌کمین جستیم نیست  
(ج ۱/بیت ۴۴۸۹)  
بس زبان کز صفت آن لب او کند شود      چون سنان نظر از دولت او تیز کنید  
(ج ۲/بیت ۸۴۴۷)

### ۵-۲-۱-عناصر خیالی

مهمترین عناصر خیالی بکارگرفته شده عبارتند از: اژدها، پری، دیو، سیمرغ، عنقا و هما.  
آهویی می‌تاخت آنجا بر مثال اژدها      بر شمار خاک شیران پیش او نخجیر بود  
(ج ۲/بیت ۷۶۸۹)  
آمد شراب آتشین ای دیو غم‌کنجی نشین      ای جان مرگ‌اندیش رو، ای ساقی باقی درآ  
(ج ۱/بیت ۴۵۱)

### ۶-۲-۱- اعضای بدن انسان

بعضی از این اجزای بدن مانند: زلف، دل، تن، جسم، قالب، چشم، زبان، دیده و کف و...  
 چون مرا نرم یافت همچو زبان  
 چون زبان زود ترجمانم کرد (ج ۲/بیت ۱۰۲۸۱)  
 و صفات دل گرفتگی در سفر  
 همچو دل بی‌پا بیا، بی‌سر بیا (ج ۱/بیت ۲۰۱۲)

### ۷-۲-۱- عناصر انتزاعی

پرکاربردترین این عناصر عبارتند از: جان، روان، روح، عقل و وقت و...  
 خیزیـد روان شوید یـاران  
 تا همچو روان صفا پذیرید (ج ۲/بیت ۷۵۷۲)  
 بیار آن سخنانی که هر یکیست چو جانی  
 نهان مکن تو در این شب چراغ راکه نشاید  
 (ج ۲/بیت ۹۵۰۷)

### ۸-۲-۱- حروف الفبا

این حروف عبارتند از: الف، جیم، دال، قاف و لام و عین.  
 ز حرف عین چشم او، ز طرف جیم گوش او  
 شه شطرنج هفت اختر، به حرفی مات من گردد  
 (ج ۲/بیت ۵۹۵۴)

تو قاف قندی و من لام لب تلخ  
 ز قاف و لام ما قل میتوان کرد (ج ۲/بیت ۷۱۱)  
 بررسی تشبیه از نگاه مشابهه نشان می‌دهد که مولوی عمده تصویرهایی که برای بیان مفاهیم و اندیشه‌های خود پیش روی دارد، طبیعت و گستره وسیع محیط طبیعی است. او برای اینکه بتواند مشابهه‌های خود را بهتر برای مخاطب خود به نمایش بگذارد از مشابهه‌های طبیعی بیشترین بهره را برده است و همین استفاده از طبیعت باعث شده غزل او پویاتر، شادابتر و سرزنده‌تر از همه شاعران باشد. شاعر با تصرفی که در طبیعت می‌کند، به آنها حرکت و جنبش می‌بخشد. در نتیجه، هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت مینگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و است. پرداختن به طبیعت باعث می‌گردد که توصیف‌های ارائه شده از سوی شاعر با حرکت و تکاپوی بیشتری همراه باشد.

### ۳-۱- انواع تشبیه به اعتبار ارکان آن

تشبیه در صورت گسترده و کامل خود، جمله‌ای است که چهار جزء دارد که به آن ارکان تشبیه گویند (فنون بلاغت و صناعت ادبی همایی، ص ۲۳۵). این اجزا عبارتند از: مشبه، مشبه‌به، ادات و وجه شبه. از میان این ارکان، وجود مشبه و مشبه‌به برای ساخت هر تشبیه ضروری است و هیچ تشبیه‌ی بدون مشبه و مشبه‌به شکل نمی‌گیرد.  
 بدین لحاظ تشبیه را میتوان به انواع ذیل تقسیم کرد:

### ۱-۳-۱- تشبیه بلیغ (تشبیه فشرده)

یعنی تشبیهی که در آن فقط مشبه و مشبه‌به حضور دارند بدون ذکر ادات تشبیه و وجه شبه. در این گونه تشبیهات تاکید بیشتری بر همانندی میان دو سوی تشبیه وجود دارد زیرا وقتی وجه شبه و ادات ذکر می‌گردد، تفارق و دوگانگی میان دو سوی تشبیه محسوس‌تر است. این نوع تشبیه به دو شکل اضافی و غیراضافی است که هر دو شکل آن در غزلیات مولوی دیده می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که ۱۰.۱۵٪ از تشبیهات غزلیات شمس را تشبیهات فشرده (بلیغ) تشکیل می‌دهد که در این بین، ۶.۲۴٪ از تشبیهات مربوط به بلیغ اضافی و ۳.۹۱٪ از آن مربوط به بلیغ غیراضافی است.

برخی از ترکیبات بلیغ اضافی عبارتند از: آتش نظر، آتش عشق، آفتاب حسن، آیینه جان، ابر خط، ابر کرم، اسب تن، باغ جان، بحر دل، بیشه اندیشه، تیر غمزه، دلو گردون، دیگ دل، زلف شب، سکه رخسار و ناقوس تن و...

ای شب شمران اگر شماریست      باری شب زلف او شمارید (ج ۲/بیت ۷۵۶۶)  
 عنقا که یابد دام کس در پیش آن عنقا مگس      ای عنکبوت عقل بس تا کی تنی این تار را  
 (ج ۱/بیت ۲۸۳)

نمونه‌هایی از بلیغ غیر اضافی:

حسین کربلایی آب بگذار      که آب امروز تیغ آبدار است (ج ۱/بیت ۳۶۶۲)  
 در آن بحری که خضرانند ماهی      درو جاوید ماهی جاودان آب  
 (ج ۱/بیت ۳۲۱۲)

### ۱-۳-۲- تشبیه غیر بلیغ (تشبیه گسترده)

در این نوع تشبیه علاوه بر مشبه و مشبه‌به، ارکان دیگر یعنی وجه شبه و ادات و یا هر دو با هم بکار می‌روند. که از این جهت به دسته‌های ذیل تقسیم می‌شوند:

#### - تشبیه مرسل مفصل

تشبیه مرسل مفصل که هر چهار رکن تشبیه در آن حاضر است، در تشبیه مفصل، جایگاه چندانی برای مخاطب و مشارکت وی در شعر باقی نمی‌ماند؛ «بارت» چنین ساختارهایی را «خواندنی» میدانند: «این متن جریان خواندنی، خواننده را به سوی یک معنا رهنمون می‌سازد. «خواندنی» نامیده شدن چنین متنی به معنی برجسته ساختن شیوه‌ای است که خواننده‌اش از آن طریق در موضع یک دریافت کننده نسبتاً منفعل می‌ایستد» (بینامتنیت، گراهام، ص: ۱۱۴). در واقع چیزی برای کشف باقی نمی‌ماند تا آن را کشف کند و به عنوان مصرف کننده منفعل متون خواندنی است (عمل نقد، بلزی، ص: ۱۶۴).

ای رونق جانم ز تو، چون چرخ گردانم ز تو گندم فرست ای جان که تا خیره نگردد آسیا  
(ج ۱ / بیت ۶۶)

شمشیرم و خونریز من، هم نرمم و هم تیز من همچون جهان فانیم، ظاهر خوش و باطن بلا  
(ج ۱ / بیت ۱۲۰)

### - تشبیه مجمل

«تشبیه مجمل» تشبیهی است که در آن وجه شبه ذکر نمیشود. اهمیت یک تشبیه به چگونگی و کیفیت وجه شبه آن مرتبط است؛ وجه شبه رابطه‌ای است که شاعر یا نویسنده به کشف آن نایل گردیده و اهمیت این کشف، کمتر از کشف یک قانون علمی نیست. بانگ‌شعوب و ناله‌اش و آن‌اشک همچون ژاله‌اش چون شد ز حد آسمان، آمد سحرگاهش ندا  
(ج ۱ / بیت ۳۸)

سجده کنند مهر و مه پیش رخ چو آتشت چونکه کند جمال تو با مه و مهر ماجرا  
(ج ۱ / بیت ۶۰۲)

### - تشبیه موگد

تشبیهی که در آن ادات تشبیه ذکر نشود را تشبیه موگد گویند. در این تشبیه، با توجه به اینکه ادات وجود ندارد، مخاطب متوجه تشبیه نمیشود و بگونه‌ای تشبیه مضمربروز می‌یابد. از عشق مگو که عشق دام است ز نهار مگو ز دانه ما  
(ج ۱ / بیت ۱۳۷۷)

لعلی به میان سنگ خارا تا چند غلط دهی تو مارا  
(ج ۱ / بیت ۱۳۷۷)

نوع تشبیه	گسترده	فشرده (بلیغ)
بسامد	۱۲۰۳	۱۳۶
درصد	۸۹.۲	۱۰.۸

آمارهای فوق بیانگر آنست که قسم اعظم تشبیهات مولوی در غزلیات شمس از نوع گسترده و غیر بلیغ هستند که این گویای آنست که شاعر در ارائه مضامین و اندیشه‌های خود، از تشبیهات ساده و زودفهمتر بهره گرفته و کمتر به پیچیدگی و دیرپاب بودن تشبیه توجه نشان داده است و این امر به روانی کلام وی کمک شایانی نموده است.

### ۴-۱- انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه

آمار تشبیه در غزلیات شمس به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه

نوع تشبیه	حسی به حسی	عقلی به حسی	حسی به عقلی	عقلی به عقلی	مجموع
بسامد	۱۰۸۲	۲۱۶	۳۱	۱۰	۱۳۳۹
درصد	۸۰.۸۰	۱۶.۱۳	۲.۳۲	۰.۷۵	۱۰۰

#### ۱-۴-۱- تشبیه حسی به حسی

باروی همچون ماه خود با لطف مسکین خواه خود  
ما را تو کن همراه خود چیزی بده درویش را  
(ج ۱/بیت ۱۶۶)

زین روهمی بینم کسان نالان چونی وز دل تهی  
زین رود و صد سرو روان خم شد ز غم چون چنگها  
(ج ۱/بیت ۲۵۰)

#### ۱-۴-۲- تشبیه حسی به عقلی

مست و خرامان میروم پوشیده چون جان میروم  
پرسان و جویان میروم آنسو که سلطان میرسد  
(ج ۲/بیت ۵۶۳۶)

امروز دیدم یار را آن رونق هر کار را  
میشد روان بر آسمان همچون روان مصطفی  
(ج ۱/بیت ۲۰۹)

#### ۱-۴-۳- تشبیه عقلی به عقلی

رنج تو بر جان ما بادا مبادا بر تنت  
تا بود آن رنج همچون عقل جان آرای ما  
(ج ۱/بیت ۱۵۹۷)

دیویست نفس تو که حسد جزو وصف اوست  
تا کلّ او چگونه قبیح و مقدریست  
(ج ۱/بیت ۴۸۵۵)

#### ۱-۴-۴- تشبیه عقلی به حسی

چو جامش دید این عظم چو قرابه شد اشکسته  
درستیهای بیپایان بخشید آن شکستش را  
(ج ۱/بیت ۸۱۰)

شنیده طعنهای همچو آتش  
رسیده تیر کاری زان کمانها  
(ج ۱/بیت ۱۲۵۰)

با توجه به آمارها، از لحاظ حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه، بیشتر تشبیهات بکار رفته در غزلیات شمس از نوع حسی به حسی است. برخلاف مثنوی که بررسیهای بعمل آمده نشان داده که بیش از ۵۵٪ تشبیهات آن از نوع معقول به محسوس (عقلی به حسی) است<sup>۱</sup> این تفاوت سبک مولوی در مثنوی و غزلیات شمس بیانگر آنست که وی در مثنوی در پی تبیین بسیاری از آموزه‌های شرعی و اعتقادی و عرفانی است؛ ازین جهت نیاز است که امور معقولی که مربوط به عالم غیب و مجردات هستند را از راه مانند کردن به امری محسوس، که از جهاتی مشابه آن امر معقول است، به ذهن شنونده و فهم و ادراک او نزدیک گرداند. مولوی خود میگوید:

گرچه آن معنیست وین نقش ای پسر  
تا به فهم تو کند نزدیکتر  
(شرح جامع مثنوی، کریم زمانی، ج ۱، ص ۷۸)

۱. در این باره رجوع کنید به مقاله «بررسی ساختارهای تشبیه در مثنوی معنوی» از میترا گلچین ص ۲۴۸

اما در غزلیات شمس چنین الزامی برای شاعر وجود ندارد و مضامین آن با مثنوی متفاوت است. در اینجا شاعر به بیان مضامین عاشقانه روی آورده و کمتر به مفاهیم معقول و بیان مجردات توجه داشته است.

### ۵-۱- انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه

طرفین تشبیه به حسب افراد و ترکیب ممکن است فرق داشته باشند و از این نظر هر تشبیه به اقسام مختلفی چون مفرد، مقید و مرکب تقسیم میشود؛ «در تشبیه مفرد تصوّر و تصویر یک هیات یا یک چیز است مثل گل، جام، دزد. در تشبیه مقید، تصویر و تصوّر مفردی است که مقید به قیدی باشد مثل جام بلورین، کشتی سرنگون که مقید به قید صفتند. در تشبیه مرکب مقصود از مرکب لزوماً جمله یا عبارت یا مجموعه چند واژه نیست بلکه مرکب از یک هیات انضمامی است و به قول قدما مرکب، هیات منتزع از چند چیز است» (بیان، شمیسا، ص ۷۱)

#### جدول انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه

نوع تشبیه	مفرد به مفرد	مفرد به مقید	مفرد به مرکب	مقید به مفرد	مقید به مقید	مقید به مرکب	مرکب به مفرد	مرکب به مقید	مرکب به مرکب
بسامد	۱۰۲۷	۱۵۶	۶	۱۰۵	۴۲	۳	۰	۰	۰
درصد	۷۶.۹۶	۱۴.۸۲	۱.۶۸	۸.۱۷	۱.۹۲	۲.۲۲	۰	۰	۰

بر اساس این نمودار آماری، پرکاربردترین نوع تشبیه، مفرد به مفرد است یعنی تشبیهی که مشبه و مشبه‌به هر دو از نوع مفردند و بالعکس تشبیهات مرکب در غزلیات شمس بسیار محدودند..

نمونه‌هایی از این اشعار:

#### ۵-۱-۱- تشبیه مفرد به مفرد

گر سیل عالم پر شود هر موج چون اشتر شود  
مرغان آبی را چه غم تا غم خورد مرغ هوا  
(ج ۱/ بیت ۱۵۳)

از هجر روزم قیرشددل چون کمان بُد تیرشد  
یعقوب مسکین پیرشداى یوسف برنا بیا  
(ج ۱/ بیت ۱۷۸)

#### ۵-۱-۲- تشبیه مفرد به مقید

چو در عالم زدی تو آتش عشق  
جهان گشتست همچون دیگ حلوا  
(ج ۱/ بیت ۱۱۲۸)

عالی خداوند شمس دین تبریز ازو جان زمین پرنور چون عرش مکین کو رشک شد انوار را  
(ج ۱/بیت ۲۹۴)

### ۳-۵-۱- تشبیه مقید به مقید

عشقی که برانسان بود شمشیر چوبین آن بود آن عشق بارحمان شود چون آخر آید ابتلا (ج ۱/بیت ۳۳۸)  
خاک تبریزست اندر رغبت لطف و صفا چون صفای کوثر و چون چشمه حیوان ما (ج ۱/بیت ۱۶۸۴)

### ۴-۵-۱- تشبیه مقید به مفرد

تن تیره همچو زاغی و جهان تن زمستان که برغم این دو ناخوش ابد با بهار بادا (ج ۱/بیت ۱۸۹۴)  
زود اندر آمد لطف شه مخدوم شمس الدین چومه در منع او گفتا که نه عالم مسوزای مجتبی  
(ج ۱/بیت ۲۷۶)

### ۵-۵-۱- تشبیه مفرد به مرکب

هین از ترشح زین طبق بگذرتو بی ره چون عرق از شیشه گلابگر چون روح از آن جام  
سما (ج ۱/بیت ۱۴۶)

چه باشد؟ گر نگارینم بگیرد دست من فردا ز روزن سرد را ویزد چو قرص ماه خوش سیما  
(ج ۱/بیت ۸۱۵)

### ۶-۵-۱- تشبیه مقید به مرکب

از دل خیال دلبری بر کرد ناگهان سری مانند ماه از افق مانده گل از گیا (ج ۱/بیت ۴۳۲)  
جمله خیالات جهان پیش خیال او دوان مانند آهن پاره‌ها در جذبه آهن بیا (ج ۱/بیت ۴۳۲)

## ۶-۱- انواع تشبیه از لحاظ شکل

### ۱-۶-۱- تشبیه تسویه

«اگر برای چند مشبه یک مشبه به بیاورند یعنی آن چند مشبه را به لحاظ حکمی (وجه شبه) یکسان و مساوی در نظر بگیرند» به آن تشبیه تسویه گویند (بیان، شمس، ص ۱۲۰). در غزلیات شمس ده مورد تشبیه تسویه دیده میشود که برخی از آنها عبارتند از:

کوه طور و دشت و صحرا از فروغ نوراو چون بهشت جاودانی گشته از فرّ و ضیا (ج ۱/بیت ۱۵۰۷)  
ز نطف انداز عشق آتشینت زمین و آسمان لرزان چو سیماب (ج ۱/بیت ۳۲۲۷)

### ۲-۶-۱- تشبیه جمع

این تشبیه برعکس تشبیه تسویه است یعنی یک چیز به چند چیز تشبیه میشود. از این نوع تشبیه، بیست مورد در شعر مولوی یافت شده است.

دست فشانم چو شجر چرخ زنان همچو قمر چرخ من از رنگ زمین پاکتر از چرخ سما (ج ۱/بیت ۴۹۳)

هم دایه جانمایی و هم جوی می و شیر هم جنت فردوسی و هم سدره خضراء (ج ۱/بیت ۱۱۰۴)

### ۳-۶-۱- تشبیه ملفوف

«یعنی چند مشبه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شود و سپس مشبه‌به‌ها هر کدام به ترتیب، جداگانه گفته شود. پس اینگونه تشبیه مبتنی بر صنعت بدیعی لف و نشر است» (بیان، شمیسا، ص ۱۱۹)

دوازده مورد از تشبیه ملفوف در غزلیات شمس دیده شده است:

آن فکر و خیالات چو یاجوج و چو ماجوج هریک‌رخ‌حوری و چون لعبت‌چین شد  
(ج ۲/بیت ۶۷۱۹)

خاک و خس این خانه همه عنبر و مشکست بانگ در این خانه همه بیت و ترانه است (ج ۱/بیت ۳۵۹۳)

### ۴-۶-۱- تشبیه مفروق

تشبیهی است که طرفین آن متعدد است ولی هر مشبهی با مشبه‌به خود همراه است. هفده مورد از این نوع تشبیه در غزلیات مولوی وجود دارد:

عالم چو کوه طور دان ما همچو موسی طالبان هر دم تجلی میرسد بر میشکافد کوه را (ج ۱/بیت ۱۶۰)  
هست آن جهان چون آسیا هست این جهان چون خرمنی  
آنجاهمی خواهی بدن گر گندمی گر لوبی (ج ۱/بیت ۳۵۱)

### جدول انواع تشبیه در غزلیات شمس به اعتبار شکل

نوع تشبیه	تشبیه جمع	تشبیه تسویه	تشبیه مفروق	تشبیه ملفوف
بسامد	۲۰	۱۰	۱۷	۱۲
درصد	۱.۴۹	۰.۷۴	۱.۲۶	۰.۸۹

با نگاهی به آمارهای مربوط به انواع تشبیه از لحاظ شکل در غزلیات شمس درمی‌یابیم که این نوع تشبیهات در مجموع بسامد چندان زیادی ندارند و پرداختن به معانی کلام و انتقال مضامین و اندیشه‌ها اهمیت بیشتری برای مولانا دارد و چنان که قبلاً نیز گفته آمد مولوی بیشتر سعی داشته با استفاده از تشبیهات ساده به بیان معانی و مضامین و اندیشه‌های خود بپردازد و بر خلاف برخی از شاعران، کمتر به اظهار فضل از طریق شعر و برجستگی زبان و بیان شاعرانه نظر داشته است.

### ۷-۱- انواع تشبیه از لحاظ وجه شبه

وجه شبه ارتباط بین مشبه و مشبه‌به است که شاعر با روح کنجکاو و نکته‌یاب خویش به تشبیهات خود میبخشد. جذابیت تشبیه از طریق یافتن شباهتهایی است که شاعر در تقابل



عناصر طبیعی، جانداران، اشیاء و عناصر انتزاعی و... کشف میکند. وجه شبه را میتوان از انحاء مختلف بررسی نمود.

۱-انواع تشبیه به اعتبار موضوع(کیفیت) وجه شبه

۲-انواع تشبیه به اعتبار مفرد، متعدد یا مرکب بودن وجه شبه

### ۱-۷-۱-انواع تشبیه به اعتبار موضوع(کیفیت) وجه شبه

شاعر متأثر از محیط زندگیست؛ و بسیاری از مضامین که در شعر بکار میرود را از جامعه و طبیعت پیرامون خود انتخاب میکند. در انتخاب وجه شبه نیز این تاثیر انکار ناپذیر است. «کشف وجه شبه به بینش و دریافت گوینده بستگی دارد. شاعر ممکن است رنگ، حرکت، حالات و شکل و اثر حسی یا عقلی همانند بین دو چیز را به تنهایی پیش بکشد و یا مجموعه‌ای از حالات و حرکات را بعنوان صفت مشترک (وجه شبه) در نظر داشته باشد»<sup>(بیان در شعر فارسی، ثروتیان، ص ۴۴)</sup>. طبق آماري که در ادامه خواهد آمد، مهمترین عناصر در ساختار وجه شبه در غزلیات شمس، «حالات و خصوصیات» هستند که بسامد بیشتری نسبت به «رنگ» و «شکل» دارند.

جدول انواع تشبیه به اعتبار موضوع(کیفیت) وجه شبه

کیفیت وجه شبه	حالات و خصوصیات	شکل	رنگ
بسامد	۱۱۶۸	۱۰۱	۷۰
درصد	۷۸.۳۷	۷.۵۴	۵.۲۲

### وجه شبه شکل

از میان شکل‌هایی که در شعر مولانا بعنوان وجه شبه برگزیده شدند، «خمیدگی» با ۲۴ بار تکرار بیشترین بسامد را دارد و «راست قامتی» در درجه بعدی قرار دارد. برخی دیگر از این شکلها عبارتند از: باریکی و لاغری، دوتا شدن، سجده کردن، فریبی، گرد بودن، لب بستن، و پیچان بودن و.... .  
گردی:

مه از پی چوگان تو خود را چو گویی ساخته خورشیدهم جان باخته چون گوی غلتان می‌رود  
(ج ۲ بیت ۵۷۰۰)

خمیدگی:

قدم کمان شد از غم و دارم نشان کژ با عشق همچو تیرم اینک نشان راست (ج ۱ بیت ۴۷۵۵)

### وجه شبه رنگ

از میان وجه‌شبه‌های مربوط به رنگ، رنگ زرد با ۲۴ بار بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده و رنگ سرخ با ۲۲ بار در درجه بعدی قرار دارد. رنگهای دیگر عبارتند از: تیرگی، روشنی، سیاهی، سفیدی، کبودی.

زرد:

زرد شدست باغ جان از غم هجر چون خزان کی برسد بهار تو؟ تا بنماییش نما (ج ۱/بیت ۶۰۷)

سفید:

ای پیر جان فطرت پیر عیان نه فکرت پیری که از قدیدی مویش چو شیر باشد (ج ۲/بیت ۸۷۷۸)

### وجه شبه شدن سایر حالات و خصوصیات

برخی از وجه‌شبه‌هایی که به حالات و خصوصیات اختصاص دارند عبارتند از: زیبایی، آراستگی، عظمت، ارزشمندی، درخشندگی، شیرینی، ترسناک بودن، جوشیدن، با وقار بودن، خوب سوختن، خموش بودن و درتدگی و بسیاری از قیده‌های حالت که در مورد انسان و اشیاء و ... بکار می‌رود. که از این میان، زیبایی با بسامد ۳۴ بار بیشترین کاربرد را در شعر مولوی دارد.

نمونه‌هایی از این حالات و خصوصیات:

### افسردگی

آن نفسی که با خودی همچو خزان فسرده‌ای وان نفسی که بیخودی، دی چو بهار آیدت (ج ۱/بیت ۳۵۱۴)

### ارزشمندی

هرچند طلسم این جهانی در باطن خویشتن تو کانی (ج ۱/بیت ۱۳۶۲)

۲-۷-۱- انواع تشبیه به اعتبار مفرد، متعدد یا مرکب بودن وجه شبه

### جدول انواع تشبیه به اعتبار مفرد، متعدد یا مرکب بودن وجه شبه

نوع وجه شبه	وجه شبه مفرد	وجه شبه متعدد	وجه شبه مرکب
بسامد	۱۱۶۵	۱۰۸	۶۶
درصد	۸۷	۸	۵

وجه شبه مفرد: وقتی است که از یکی بیشتر نباشد؛ فقط یک مطلب. مانند تشبیه گل به آتش از نظر سرخی (بیان، شمیسا، ص ۱۰۱). چنانکه نمودار نشان می‌دهد ۸۷٪ از وجه‌شبه‌های حاضر در غزلیات شمس از نوع مفردند

از رحمه للعالمین اقبال درویشان ببین چون مه منور خرقه‌ها چون گل معطر شالها  
(ج ۱/بیت ۲۲)

چو تیرم تا نپرانی نپرّم بیا بار دگر پر کن کمان را (ج ۱/بیت ۱۱۳۶)

وجه شبه متعدد: آنست که از یکی بیشتر باشد مانند تشبیه گونه به گل از نظر لطافت و سرخی (بیان، شمیسا، ص ۱۰۱).

ای آفتاب اندر نظر تاریک و دلگیر و شرر آنرا که دید او آن قمر در خوبی و حسن و بها  
(ج ۱/بیت ۲۶۶)

چو بادی تو گهی گرم و گهی سرد رو آنجا که نه گرما و نه سرماست (ج ۱/بیت ۳۸۱۴)

### وجه شبه مرکب

که هنریترین وجه شبه است و از مشبه به مرکب اخذ میشود و هیات حاصله (ایماژ، تصویر، تابلو) از امور متعدد است و به اصطلاح منتزع از چند چیز است (بیان، شمیسا، صص ۱۰۱-۱۰۲)

ز رعد آسمان بشنو تو آواز دهل یعنی عروسی دارد این عالم که بستان پر جهیز آمد (ج ۲/بیت ۶۲۱۹)  
اوسرست و ماچو دستار اندرو پیچیده‌ایم از شراب آن سری گردد سر و دستار مست (ج ۱/بیت ۴۲۱۰)

### نتیجه

تشبیه یکی از موضوعات مهم و محوری در حوزه علم بلاغت و بیان است و بررسی ساختارهای گوناگون و تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل دهنده آن میتواند معرف سبک و زبان خاص یک شاعر باشد. این جستار به بررسی همه‌جانبه تشبیه در غزلیات شمس پرداخته، با ارائه جامعه آماری دقیق سعی در کشف روابط و هماهنگیهای موجود در ذهن و زبان مولانا داشته است. نتایج حاصل از این جستار را میتوان چنین برشمرد:

۱. از نظر انواع تشبیه به اعتبار ارکان، مولوی بیشتر تمایل به استفاده از تشبیه گسترده (غیر بلیغ) داشته و فقط ده درصد از تشبیهات از نوع بلیغ (فشرده) هستند. که این امر به زودیاب بودن مفهوم تشبیهات و وضوح روابط بین مشبه و مشبه به کمک کرده است.
۲. بررسی تشبیه از نظر موضوع مشبه نشان داد که انسان و عناصر انسانی از بارزترین موضوعات مورد توجه مولوی بوده و او با بکارگیری عناصر انسانی در جای جای غزلیات خود، به اهمیت انسان در اندیشه عارفانه اش مهر تایید زده است.
۳. آمارها بیانگر آنست که ذکر اعضاء و جوارح انسانی یکی دیگر از عناصر پرکاربرد تشبیه در غزلیات شمس است که این موضوع با توجه به نوع قالب شعری (غزل) و محتوای عاشقانه آن قابل تحلیل است زیرا شاعران کلاسیک از اعضای ظاهری معشوق یا محبوب در جهت

عاشقانه‌سراییی و توصیف زیباییها یا قدرت و شهامت و... استفاده فراوان برده‌اند. مولوی نیز بخوبی ازین ابزار در غزلیات خود بهره برده است.

۴. نکته مهم دیگر که در همین حوزه از طریق آمارها قابل دریافت است بسامد بالای «دل» و «جان» در تشبیهات غزلیات مولوی است که این خود تأکیدی است بر بیان عارفانهٔ مولانا. چه دل و جان مخزن‌الاسرار حقیقت انسان است و بسیاری از مباحث عرفانی بر مدار آن می‌چرخد.

۵. حضور پررنگ «عاشق» و «معشوق» بعنوان مشبه نشانگر آنست که مولوی بخوبی از عهدهٔ ایجاد هماهنگی میان ظرف و مظهر برآمده است زیرا غزل، جایگاه عشق است و عشق، در سرتاسر ادبیات فارسی، برای خودنمایی قالبی بهتر از غزل نیافته است.

۶. از دیگر موضوعات قابل توجه در بررسی آمارها، حضور عناصر طبیعی در هیات مشبه یا مشبه‌به در ساختار تشبیهات است که به پویایی، تحرک و جانبخشی شعر مولانا کمک شایانی نموده است.

۷. از نظر انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه، بیشترین تشبیهات بکار رفته در غزلیات شمس، از نوع حسی به حسی است و تشبیه عقلی بسامد چندانی ندارد که این ویژگی باعث ساده‌تر شدن دریافت مخاطب یا خواننده از عناصر تشبیه و روابط میان آنها شده است.

۸. از جهت افراد و ترکیب طرفین تشبیه نیز پرکاربردترین نوع تشبیه، تشبیه مفرد به مفرد است که ۷۶/۹۶ درصد از کل تشبیهات را شامل شده است و میتوان گفت تشبیهات مرکب در شعر مولوی جایگاهی ندارد.

۹. در مورد تشبیه از نظر شکل باید اذعان داشت علی‌رغم اینکه نمونه‌هایی از تشبیهات جمع، تسویه، مفروق و ملفوف در غزلیات شمس دیده میشود اما اینگونه تشبیهات بسامد چندانی ندارند و مولوی کمتر به استفاده از چنین ساختارهای تشبیهی روی خوش نشان داده است.

۱۰. از نظر وجه شبه نیز آمارها گویای آنست که وجه شبه از نوع «حالات و خصوصیات» بیش از ۸۷ درصد مجموع تشبیهات را شامل شده و وجه شبه شکل و رنگ در مرتبه‌های بعد قرار دارند. از سوی دیگر، ۸۷ درصد تشبیهات دارای وجه شبه مفردند و از وجه شبه‌های متعدد و مرکب کمتر استفاده گردیده است که این خود تأکیدی است بر ساده بودن و وضوح تشبیهات حاضر در غزلیات شمس.

سخن آخر آنکه بررسیهای آماری همواره نتایج علمیت‌ر و دقیقتری به همراه دارد لذا جای خالی پژوهشهای آماری در عرصهٔ ادبیات احساس میشود و قطعاً سوق دادن تحقیقات

به سمت و سوی علمی میتواند بسیار راهگشا باشد و نتایج حاصله را متقن و قابل اعتنا خواهد ساخت.

## منابع

### کتاب

۱. بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، تهران: فردوسی.
۲. بیان در شعر فارسی، ثروتیان، بهروز، (۱۳۶۹)، تهران: انتشارات برگ.
۳. بینامتنیت، آلن، گراهام (۱۳۸۰)، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
۴. سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶)، تهران: فردوس.
۵. شرح جامع مثنوی، زمانی، کریم، (۱۳۷۲)، ج ۱، تهران: اطلاعات.
۶. فنون بلاغت و صناعت ادبی، همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۴)، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: نشر هما.
۷. کلیات شمس تبریزی، مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۶۳)، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، ج ۱ و ۲، تهران: امیر کبیر.
۸. مثنوی معنوی، مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۸)، به تصحیح رینولد ا. نیکلسون، ج ۵، تهران: مولی.
۹. هنجار گفتار، تقوی، سید نصرالله بن رضا، (۱۳۱۷)، تهران: انتشارات مجلس.

### مقاله

۱. بررسی ساختارهای مختلف تشبیه در مثنوی معنوی، گلچین، میترا (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۴ (پی در پی ۱۱) صص ۳۳۹-۳۵۲.
۲. جایگاه دل در عرفان اسلامی با تکیه بر دیدگاه مولانا، محمد حسین زاده، عبدالرضا و عارفی، علی، (۱۳۸۸)، پژوهش نامه اخلاق، سال دوم، ش ۶ صص ۵۷-۸۰.
۳. سیمای انسان در اشعار مولانا، دامیار، زهرا (۱۳۷۹)، مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۳۴ صص ۴۲-۴۴.